



چاپ مجدد هم

اریک فروم

ترجمه

عزت السه فولادوند



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه مترجم
۲۳	فصل اول آیا آزادی مسئله‌ای روانی است؟
۴۴	فصل دوم پیدایش فرد و ابهام مفهوم آزادی
۵۹	فصل سوم آزادی در دوران رفورم
۵۹	۱- قرون وسطی و رنسانس
۸۱	۲- دوران رفورم
۱۱۹	فصل چهارم انسان نوین و دوراهی آزادی
۱۴۹	فصل پنجم مکانیسمهای گریز
۱۵۴	۱- قدرت‌گرایی
۱۸۹	۲- تخریب
۱۹۴	۳- هم‌رنگی ماشینی
۲۱۵	فصل ششم روانشناسی نازیسم
۲۴۶	فصل هفتم آزادی و دموکراسی
۲۴۶	۱- پندار فرد بودن
۲۶۱	۲- آزادی و خودانگیختگی
۲۸۱	ضمیمه خوی و سیر اجتماع
۳۰۱	فهرست راهنما

## مقدمه مترجم

ده روز پیش از مرگ حکیم بزرگ آلمانی کانت، طبیب او به عیادتش رفت. فیلسوف کهنسال با وجود ضعف و چشمان تقریباً نابینا به خود جنبید و به احترام تازه‌وارد به پا خاست و وقتی با سرزنش پزشک مواجه شد، گفت: «حس انسانیت هنوز از من برنخاسته است.»

کتاب حاضر دادخواستی است که عناصر مخالف با رشد و پرورش انسان و انسانیت را در جهان ما به پای محاکمه می‌کشد؛ و از آنجا که نخستین شرط تحقق مردمی و اعتلای آدمی آزادی است، کوشش اصلی آن بر پرده برانداختن از دشمنان آزادی متمرکز می‌گردد.

اما ترکتازی خودکامان و هیاهوی عوامفریبان و شگفت‌کاری عیاران و ساده‌دلی مردمان در طی قرون چنان بوده که کشف معنای راستین آزادی، اگر محال نباشد، به دقت و امانت بسیار نیازمند است. شنعتی درنگرفته و شعبده‌ای به پا نخاسته که خطیبان و نویسندگان و طراران به حساب فرشته نافرجام آزادی نگذاشته باشند به طوری که اگر سنجش قضایا را به نتایج آنها وابسته بدانیم، پس از عشق باید از آزادی به عنوان سیه‌کارترین دزدان سعادت آدمی نام ببریم.

برخی از آشفتگی‌هایی که در معنای آزادی درآمیخته معلول بداندیشی و بعضی نتیجه استعمال وسیع و گاه نابجای این لفظ است. عارف و سیاستمدار و روانشناس هر سه از آزادی نام می‌برند و همه از ظن خود یار آن می‌شوند،

ولی تحلیل مباحثاتشان نشان خواهد داد که غالباً معنایی که هر يك از این لفظ در نظر دارد، اگر ناقض مراد دیگری نباشد، لااقل ارتباطی نیز با آن ندارد. از این سخن پیداست که، برخلاف مباحث علمی و فنی، در گفتگو از آزادی میان نویسندگان و نوشته‌های جداگانه نیست و تأثیر عوامل ذهنی و فردی در برگزیدن هدف و سیر استدلال چنان بالا می‌گیرد که پیش از ورود به اصل مطلب، تعریف مفهوم و معرفی نویسنده ضروری است.

\* \* \*

اریش فروم به سال ۱۹۰۰ در آلمان زاده شد و در دانشگاه‌های فرانکفورت و هایدلبرگ و مونیخ و مؤسسه روانکاوی برلین آموزش یافت و به دریافت درجه دکترا در روانکاوی نایل آمد. پس از مهاجرت به ایالات متحده آمریکا در مؤسسات عالی آن کشور از جمله دانشگاه‌های میشیگان و نیویورک و کلمبیا و کالج بنینگتن به تدریس پرداخت و تا این هنگام نیز به تعلیم و نویسندگی ادامه می‌دهد.

کار فروم در روانشناسی ولی گرایش وی اجتماعی است. چون ارسطو، آدمی را جانوری اساساً اجتماعی می‌بیند که نیاز به ارتباط با انسانهای دیگر و شعایر و مؤسسات در وی حالت غریزی یافته است. بر مشاهدات اساسی فروید به چشم قبول می‌نگرد، از هگل و مارکس هم تأثیر می‌پذیرد و معتقد است که تاریخ آدمی داستان تلاش برای آزادی است، ولی در هیچ زمینه بدون قید و شرط از این استادان تبعیت نمی‌کند و سعی دارد با نقادی و استنتاجات تازه راه نویی بگشاید و تا آنجا که ممکن است بینش جدیدی عرضه کند و از برج عاج دستگاه‌های نظری به میان مردم رود.

انگیزه نگارش کتاب فشاری است که نیروهای ضد آزادی بر اساس فردیت و ایمنی انسان جهان ما وارد می‌آورند و شناساندن این دشمنان به خاطر برانداختن ریشه آنها. همه جا سخن از آزادی است و بسیاری در این تصور دلخوشند که با برافتادن سلطه قوایی که در قرنهای پیشین بر آزادی و استقلال آدمی به دیده انکار می‌نگریستند زنجیرها گسسته و سدها شکست یافته است. اما مشاهده می‌آموزد که اگر مراد از آزادی نیکبختی مردم بوده،

اکثریت وسیع جهانیان در این معامله ناکام مانده‌اند. اگر نیل به سعادت بدون آزادی ممکن نیست، چرا فروغ از این گوهر برخاسته و چگونه انسان آزاد عصر ما هنوز در چنگال یأس تلاش می‌کند؟ پیداست که خلل در اساس کار است و در مبارزاتی که کرده‌ایم به بیراه افتاده‌ایم.

غرض از آزادی در این کتاب مفهوم مابعدالطبیعی این لفظ نیست و نویسنده قصد ندارد در باب جبر و تفویض نکته‌ای تازه بیاموزد. مشکل این نیست که در تصمیماتی که می‌گیریم تا چه اندازه به گفته حکما مختار و تا چه حد مجبور بوده‌ایم و سعادت و شقاوت از ازل مقدر شده یا نتیجه اعمال خود ماست. فرض بر این است که موجودی با طبیعت کلی آدمی به جهان آمده و در عرصه آن در تنازع بقاست. این تلاش موجد عادات و خصایص و مؤسسای شده که پایه آنها بر غرایز اصلی و تعبیر آدمی از خواسته‌های اوست. نکته اینجاست که ببینیم مفهوم آزادی، به عنوان یکی از بزرگترین غایات زندگی، در نظر آدمی چه بوده و چگونه این تعبیر به بحران دنیای پرخروش امروز منتهی شده است.

فروم بر این اعتقاد است که ارزیابی بحران کنونی و چاره‌یابی بر مخاطراتی که تمدن امروز با آنها رو به‌روست وابسته به فهم معنای آزادی در نظر آدمی و فهم معنای آزادی تابع درک خوی یا منش انسان این عصر است. این فرض خود آشکار می‌کند که نویسنده بر روان و اجتماع هر دو نظر دارد و معتقد است که تحلیل آزادی جز از راه بررسی تأثیر متقابل عوامل روانی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و تاریخی بر یکدیگر میسر نیست. اجتماع را از افراد مرکب می‌داند و فهم قوای محرکه اجتماع را وابسته به فهم قوای محرکه روانشناسی فردی می‌بیند. از اینجاست که با آنکه فی‌المثل به بحث در اصول تعلیمات شاخه‌های مختلف مسیحیت و مجادلاتشان در باب اراده آدمی می‌پردازد، هدفش الاهیات نیست، بلکه می‌خواهد با اشاره به اهمیت تاریخی و روانی این مباحث نشان دهد که تصور انسان از جبر یا اختیار چه آثاری از لحاظ فهم وی از آزادی به بار آورده و چگونه به ایجاد یا برافتادن آزادی در اجتماع منجر گشته است. تکیه وی بر جنبه روانی آزادی است، ولی بر این

نکته نیز تأکید دارد که مشکل روانی از اساس مادی هستی بشری یعنی از ساختمان اقتصادی و سیاسی جامعه قابل تفکیک نیست. در این نظریه فروم با دو دسته از متفکران به مخالفت برمی‌خیزد: نخست آنان که تحولات بزرگ اجتماعی را صرفاً معلول عوامل روانی می‌دانند، و دوم کسانی که جز به تأثیر نیروهای اقتصادی و سیاسی در دگرگونی جامعه معتقد نیستند. ریشه تأثیر متقابل فرد و اجتماع بر یکدیگر ساختمان جامعه است که، بر حسب آن، شرایط اقتصادی و اجتماعی شیوه زندگی فرد یا روابط او را با دیگران و وسایل تولید معین می‌کنند و، بدین وسیله، خوی خاصی در او به وجود می‌آورند. خویی که بدین نحو پدید آمده نیز از طریق ایدئولوژیهای مذهبی و فلسفی و سیاسی که از آن به ظهور می‌رسند در پرورش اقتصاد و اجتماع مؤثر می‌شود.

فروم نیز چون غالب نویسندگانی که به بحث در احوال خصوصی و اجتماعی آدمی پرداخته‌اند سخن از طبیعت انسانی آغاز می‌کند. طبیعت انسان بر دو بخش ثابت و متغیر تقسیم می‌شود: بخش ثابت از اموری چون تغذیه و تنفس و خواب و مانند آن در قلمرو تن و از یک نیاز اساسی در دایره روان، یعنی احتیاج به تعلق و ارتباط با جهان برون و بنابراین بیان استعدادات فکری و هیجانی و حسی، تشکیل می‌یابد. دیگر پدیده‌ها چون ترس و خواهش و اضطراب و عشق همه به عنوان عکس‌العمل در برابر شرایط خاص زندگی به وجود آمده‌اند. این سخن آشکار می‌کند که فروم در آدمی به چشم محصور فرهنگ اجتماع و به طور کلی تاریخ می‌نگرد ولی بر قابلیت انطباق طبیعت او نیز به دلیل بخش ثابت آن حدی قایل است؛ با فروید و پیروان او که نیروهای روانی را به کلی از قید تاریخ آزاد می‌بینند موافق نیست، و با جامعه‌شناسانی چون دورکم نیز که نقش عوامل روانی را در سیر اجتماع به غفلت می‌گذرانند سر مخالفت دارد. به عکس فروید که خوی را محصول ارضا با ناکام گذاشتن سائقه‌های اصلی طبیعت آدمی می‌داند، فروم معتقد است که انسان در درجه اول موجودی اجتماعی است و مسئله اساسی روانشناسی از روابط شخص با دنیا و دیگران مایه می‌گیرد.

بدین ترتیب، روانشناسی از روابط شخص با دنیا و دیگران مایه می‌گیرد. بدین ترتیب، روانشناسی فردی سرانجام به روانشناسی اجتماعی یا روانشناسی روابط بین افراد تبدیل می‌گردد. به‌خلاف فروید که تصور می‌کرد کار اجتماعی فقط سرکوبی سائقه‌های اصلی انسان است، فروم اجتماع را آفریده فرد و فرد را آفریده اجتماع می‌داند و بدین ترتیب برای هر یک قایل به وظیفه‌ای خلاق می‌گردد.

آزادی نیز جزئی از مسئله کلی روابط شخص با دیگران و اجتماع است. وقتی به مرحله‌ای از عمر رسیدیم که علایق نخستین میان کودک و والدین کم‌کم می‌گسلد و سیر تعین و تشخیص شروع می‌شود و باید رفته‌رفته در برابر جهان و حوادث تنها بایستیم، دو راه پیش پا داریم: یا اینکه برای اجتناب از تنهایی و ناتوانی به دیگران تسلیم شویم و زمام اختیار در کف آنان بگذاریم تا هم از مسئولیت تصمیم برهیم و هم احساس ایمنی کنیم، یا با عشق و کار خلاق و خودانگیخته با جهان و جهانیان مرتبط شویم و بر موجودیت آنان به دیده احترام بنگریم ولی فردیت خویش را نیز از دست ننهیم. بیماری انسان عصر ما به تشخیص فروم ناشی از انتخاب راه اول است. قدرتهایی که به خاطر رفع ناتوانی و ناایمنی بدانها پناه می‌بریم یا از آن افراد یا متعلق به مؤسسات و نهادهای جامعه است. ولی، به هر حال، اگر ماهیتشان چنان باشد که میان آنها و هدف رشد و پرورش فردی انطباق به وجود نیاید، معنای این تسلیم جز «گریز از آزادی» و آلت قرار گرفتن و تنهایی و ناتوانی بیشتر چیزی نخواهد بود. فروم به حالتی که پس از گسستن علایق اولیه به وجود می‌آید و موجد احساسات تنهایی و ناتوانی است «آزادی منفی» نام می‌دهد و در آن به چشم برزخی می‌نگرد که به هر حال باید از آن رخت کشید و یا به «آزادی مثبت» رسید و نیرومند و مستقل با مردم و طبیعت ارتباط یافت و یا سر به درگاه صاحبان قدرت نهاد و ضعف و ناایمنی را به دست فراموشی موقت سپرد.

عیب کار آن است که قدرتها همیشه نیز حالت خصمانه ندارند. با برافتادن صورتهای واضح قدرت، از قبیل حکومتهای استبدادی و سلطه بی‌چون

و چرای مذاهب، مردم بدین پندار دلخوش شدند که دیگر آزادند و آنچه می‌خواهند می‌اندیشند و می‌گویند و می‌کنند، ولی عجز از دست یافتن به آزادی مثبت و نیاز نهفته برای تسلیم جبارانی دیگر به وجود آورد و به نام «وجدان اخلاقی» و «آرمان» و «وظیفه» بر آدمی گمارد. این وضع فرموده جلال‌الدین را در خاطر زنده می‌کند که:

ای شهان، کشتیم ما خصم برون؛  
ماند خصمی زان بتر اندر درون!  
چونکه وارستم ز پیکار برون،  
بازگشتم سوی پیکار درون...

ماهیت قدرتهای درونی در استیلای بخشی از باطن مانند عقل یا وجدان بر بخش دیگر چون تمایلات حسی و هیجانی خلاصه می‌شود و تا مدتی دراز چنین پنداشته می‌شد که کمال نفس در همین اطاعت هیجانانگیز و مشتتهای از قوای متعلقه است. اما سرانجام از این نیرنگ نیز پرده برافتاد و دیده شد که آنچه ساده لوحانه فرامین وجدان و عقل نام می‌گرفت در حقیقت مقتضیات اجتماعی بوده که به درون برده و بعد به صورت احکام استیناف‌ناپذیر اخلاقی بر خود شخص صادر می‌شده است. تحولات قرن حاضر از اعتبار این دسته قدرتها نیز کاست و باز مردم نابخردانه شادمان شدند که این مرتبه دیگر به آزادی کامل دست یافته‌اند. ولی حقیقت آن است که، به جای از میان رفتن، قدرتها به حیلۀ تازه‌ای متوسل شده، اکنون به کلی از نظر پنهان گشته‌اند. تلقین و تبلیغ زیرکانه در همه بخشهای زندگی رسوخ یافته است و مردم ناهشیار تسلیم جادوی کلام و تصویر شده‌اند.

علت وجودی و هدف نهایی هرگونه قدرت استقرار نظم به جای پراکندگی و رفتار کمابیش یکنواخت به جای کجروی است. تکامل حیات و سیر تحول موجودات جاندار، از طرف دیگر، تاریخ تنوع و افزونی پیچیدگی است. هرچه در سلسله مراتب جانداران بالاتر رویم، اختلافات میان اعضای متعلق به یک نوع بیشتر می‌شود، و این فرقهها در انسان به عنوان تکامل-یافته‌ترین جانوران روی زمین به اعلی درجه می‌رسد. هر یک از ما، از لحاظ



روانی، منحصر به فرد و جسماً بیهمتاست. گرایش حیات به سوی رشد و بروز جهات ممیزه فردی، ولی غایت قدرت در کاهش اختلافات میان افراد برای امکان‌پذیر ساختن زندگی جمعی است. تا وقتی قدرتی چه برونی و زاییده مراجع اجتماعی و سیاسی و مذهبی و اقتصادی، و چه درونی و به صورت احکام وجدان و وظیفه و آرمان بتواند بدون انکار اختلافات میان افراد و جلوگیری از بسط-آزاد حیات به برقراری نظم کامیاب شود، معقول و منطبق با غایات فردی اعضای اجتماع است؛ ولی به مجرد انحراف از این طریق، مضر به حال فرد و مخل آزادی فردی لازم برای پرورش کامل او می‌گردد. مقصود فروم از قدرتهای مخالف اعتلای انسانی همین نوع اخیر است. آزادی حقیقی در جوامع بشری بدون حکومت قانون میسر نیست - ولی قوانینی که در خدمت اعضای جامعه و به‌خاطر سعادت آنان تنظیم و اعمال شود و روح واقعی اخلاق در آنها به‌قالب رفته باشد. وجدان و وظیفه‌شناسی بزرگترین ضامن آرامش و نیکبختی فردی و اجتماعی است - به شرط آنکه با اصل شکفتن استعدادات نهفته شخص و احترام به تمامیت نفس آدمی در تناقض نیاید و احکام آن موجب تضعیف و سرکوبی بخشی از شخصیت به وسیله بخش دیگر نگردد. تبلیغ به خودی خود وسیله‌ای فاقد ارزش ذاتی است که حسن و قبح آن از هدفی که به خاطر آن به کار می‌رود سرچشمه می‌گیرد. بدین ترتیب، صورتهای تنظیم‌یافته قدرتهای برونی، خواه به شکل نوعی تعصب و بیدادگری (مانند تعصب نژادی در حکومت نازی هیتلر) یا سودجویی بی‌حد و حصر دسته‌ای از ارباب اقتصاد (چون انحصارگری در حکومت اقتصادی مؤسسات عظیم صنعتی) یا بیرحمی و کوتاه‌نظری گروهی مذهبی (مثل تکفیر مخالفان در فرقه‌های دینی) و سلطه‌ای که به نام وجدان و وظیفه‌شناسی به اسارت و فلج شدن بخشهای هیجانی و حسی روان منتهی می‌شود و آلت قرار دادن خلق به وسیله طرق مختلف تبلیغ به خاطر بهره‌کشی سیاسی یا اقتصادی - همه و همه ناقض اصل آزادی فردی و رشد و بسط حیات است.

بزرگترین خدمت فروید به دانش آن بود که نشان داد، به خلاف تصور

کتابهایی که انتشارات سروازید - بیرون از ایران یک گروه منتشر کرده است.

ترجمه دکتر ابراهیم انبیا

زبان از یاد رفته

ترجمه دکتر امیرحسین

بحران روانکاوی

ترجمه دکتر محمود

داشتن یا بودن

ترجمه دکتر ابوالفضل

آیا انسان پیروز خواهد شد؟

ترجمه دکتر سید علی

هنر عشق ورزیدن

ترجمه دکتر پروین

انقلاب امید

ترجمه دکتر سید

بنام زندگی

ترجمه دکتر ابوالفضل

گریز از آزادی

ترجمه دکتر سید

حزب اندیشی مسیحی

ترجمه دکتر بهزاد

فراسوی زنجیرهای پندار

ترجمه دکتر سید

روانکاوی و دین



انتشارات سروازید

ISBN 964-6026-85-0



9 789646 026858